

## اخلاق پیامبر (علیه السلام)



تهیه کننده: علی سالک

۲۷ دسمبر ۲۰۱۵

توصیف رسول انس و جان باید گفت  
تبریک به صاحب الزمان باید گفت

امشب سخن از جان جهان باید گفت  
در شام ولادت دو قطب عالم

هر قدر علم و صنعت پیش میرود نیاز بشر به اخلاق افزایش می یابد و لازم است به موازات آن دستورات اخلاقی پیامبران کاملاً مورد عمل و نظر قرار گیرد، زیرا دنیای دانش، صنعت و تکنالوژی نوین، وسایل و ابزار های در اختیار بشر میگذارد اما هیچ تضمینی ندارد تا جلو سو استفاده از آنها را بگیرد. بالا رفتن آمار جرایم و جنایات، فساد، تبه کاری و غیره اعمال ناشایسته فردی و جمعی در جهان امروز ما نمایان گر همین حقیقت است که همه ما شاهد آنیم که اگر اخلاق که بخشی از مکتب پیامبران به خصوص آخرین پیامبر خدا (ج) محمد ص در جامعه حکمفرما نباشد، تنها پیشرفتهای مادی و تکنیکی نمی تواند سعادت بشر را تضمین کند- بلکه افراد و گروه های فرصت طلب و استفاده جو علم و صنعت را به نفع خود استخدام مینمایند. لذا باید روشها و کردار و رفتار نیک و در مجموع اخلاق حمیده حضرت محمد ص را سرمشق زندگی خویش ساخت. اکنون که حرف از اخلاق است، فلهاذا در قدم نخست باید بدانیم که اخلاق چیست؟

کلمه اخلاق جمع خلق به معنی شکل درونی انسان یا به عباره دیگر دنیای درونی انسان است. یعنی همان خوی و سرشت، قسمی که شکل ظاهری و صوری اشیا را خلق میگویند. اگر چه کلمه های خلق و خلق در زبان و ادب عربی به عین شکل نوشته می شوند ولی از نظر معنی با همدیگر فرق دارند. غریزه ها، ملکات و صفات باطنی که در انسان موجود است، اخلاق نامیده می شود و به رفتاری که ازین خلقیات ناشی میشود نیز اخلاق یا (رفتار اخلاقی) میگویند. در یک تعریف کلی میتوان گفت: سلسله صفاتی که در نفس و روح انسان ثابت و ریشه دار است و منشأ صدور کارهای نیک یا بد میگردد، اخلاق نامیده میشود

## سیرت النبی یا اخلاق پیامبر(علیه السلام)

حضرت محمد ص بخاطر رشد و تکامل ارزشهای اخلاقی مبعوث شده است. خود نیز از نیکوترین اخلاقیات اجتماعی برخوردار بود. ایثار و از خود گذری، عفو و گذشت از حقوق فردی و شخصی، تقدم در سلام و احترام به دیگران، عیادت بیماران، مهمان نوازی، اطعام مساکین، تواضع و فروتنی ... از جمله سیرتهای حضرت محمد ص می باشد. یکی از شاخص های پر اهمیت در پیشرفت اسلام اخلاق نیک و کلام دلاویز حضرت محمد ص در بین انسانها بود. این خلق نیکو تا بدان حدی بود که معروف شد که سه چیز باعث رشد و تکامل آنی اسلام در همان مقطع زمانی شد که عبارتند از اخلاق نیکوی حضرت محمد، شمشیر و مجاهدت حضرت علی (ک) و ثروت حضرت بی بی خدیجه بود. به نقش اخلاق پیامبر در پیشرفت اسلام و جذب دلها در قرآن کریم تصریح شده است. چنانچه میخوانیم: *فبما رحمه من الله لنت لهم و لو کنت فضا غلیظ القلب لا تغضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر*. ترجمه: ای رسول ما! به خاطر لطف و رحمت که از جانب خدا شامل حال تو شده با مردم مهربان گشته ای و اگر خشن و سنگدل بودی مردم از دور تو پراکنده می شدند پس آنها را ببخش و برای آنها طلب آمرزش کن و در کارها با آنها مشورت فرما. سیرت اخلاقی و رفتاری هر کس به صورت های گوناگون نمودار پیدا می کند. گاهی اخلاق فردی گویای خصلتهای شخصیتی افراد است. حضرت محمد ص در اخلاق فردی روش خاصی داشت که بصورت مختصر به بعضی از آنها اشاره می شود.

## پاکی و آراستگی :

پاکی و آراستگی سرو صورت و لباس همی مورد تاکید دین اسلام بوده است زیرا الله زیباست و زیبایی را دوست دارد. چنانچه پیغمبر اسلام گفته است: خداوند چرکین بودن و ژولیدگی را دشمن می پندارد. رسول خدا از نظر لباس، موی سر و چهره بسیار آراسته بود، در آئینه نگاه میکرد و موی سر را شانه میکرد و اگر آئینه نمی بود، در ظرف آب نگاه می کرد و موی سر را مرتب می نمود. او همیشه خود را برای خانواده، یاران و اصحاب خود می آراست. زمانی که همسرش عایشه از علت نگاه کردن آن حضرت در آب پرسان کرد در جواب فرمودند: خداوند دوست دارد هرگاه بنده اش نزد برادران همکیش خود می رود، خویشتن را برایشان بیازاید. خوش بویی و استفاده از عطریات یکی از خصوصیات حضرت پیغمبر بود، زیرا بوی خوش نه تنها استفاده کننده عطر را بلکه بوی خوش دیگران را هم مسرت میبخشد. برعکس بوی بد، اگر از لباس است یا بدن مایه اذیت و رنجش دیگران میشود. پیامبر اسلام همیشه مواد خوش بو کننده استفاده میکرد و میگفت که خرچ کردن در خوش بویی اصراف نیست. رسول خدا به حضرت علی امیر مومنان فرمود: یا علی بر تو باد که هر جمله خود را خوشبو کنی زیرا از سنت من است و تا زمانیکه بوی آن از تو نمایان باشد، برایت حسنه می نویسد. شستشوی بدن و لباس و گرفتن ناخن و ... از عوامل نشاط آور و تامین کننده سلامتی است. رسول خدا همیشه سر و صورت شان را با (سدر) شستشو میداد. هر جمعه ناخن ها را می گرفت و سر و صورت را اصلاح مینمود.

## تکلم با دیگران:

پیغمبر اسلام از همه مردم فصیحتر و شیرین سخنتر بود. آن حضرت کم حرف و نرم گفتار بود و در وقت حرف زدن سخن بیهوده نمی گفت و سخنش مانند جواهر به رشته کشیده بود. بیشتر سکوت میکرد و کمتر حرف میزد. بی بی عایشه می گوید: سخنش آرام و منظم بود، در حالی که شما پراکنده سخن می گوید. سخن پیامبر موجز بود و با کلمات جامع سخن می گفت. نه کم و نه زیاد. بین دو جمله توفقی داشت تا شنونده درک کند. از همه مردم خوشنوتر بود.

## گذشت و بزرگواری:

هرگاه به شخص او بی احترامی میشد؛ در صدد انتقام بر نمی آمد و از خطا و بد رفتاری دیگران چشم پوشی میکرد و در مقابل آزار و اذیت های آنان عفو و گذشت و بزرگواری نشان میداد. با آن اذیت و آزاری که قریش به رسول خدا ج کرده بودند؛ هنگامیکه مکه را فتح کرد؛ آنها را بخشید و آزاد ساخت. در جنگ احد شخصی به نام، وحشی - کاکای پیغامبر اسلام را کشته بود؛ ولی حضرت رسول اکرم ص ایشان را مورد عفو و بخشش خویش قرار داد و از گناه او گذشت. میگویند زنی که چند بار به سر پیامبر ص خاکروبه از کلکین خانه اش می پاشید روزی بیمار شده بود و از بستر خواب حتا برای نوشیدن آب برخواستہ نمی توانست. حضرت محمد ص که از پایین کلکین آن زن میگذشت متعجب شد چون این بار خاکروبه بالایش پاشیده نشده بود. چون از بیماری آن زن خبر شد به عیادتش رفت و برایش آب داد. او به نیازمندان کمک مینمود و در بدل بدی هم نیکی مینمود.

## رفق و مدارا:

مدارا از اصولیست که مایه ی ثبات و دوام جامعه است، اینکه انسان با دیگران مدارا نماید؛ از خطاهای ایشان در گذرد؛ عذر خواهی افراد را بپذیرد؛ کسی را بر لغزش هایش ملامت و سرزنش نکند، دست و دل باز و اهل گذشت و کرم باشد، این ها همه و همه نشانه های از روح بزرگ و اخلاق کریمانه ایست که همه ی این صفات در روش و رفتار آن حضرت متمرکز بود. ایشان همچنان در عین استادگی بر مواضع خویش و کوتاه نیامدن در دفاع از حق با دیگران؛ بخصوص جاهلان مدارا داشتند. مدارا در سیرت عملی پیغمبر خدا ج محمد ص فراوان به چشم میخورد، رسول خدا از حرکت های تند بدون مدارا در میان مسلمانان بهره نگرفت؛ بلکه او همانند واجبات مامور به مدارا نیز بود؛ چنانچه خود شان فرموده اند: خدای تعالی همانگونه که مرا به بر پای و اجبات امر نموده؛ به مدارا با مردم نیز؛ امر کرده است و همین بیش از همه فرصت هدایت جامعه و زمینه ی اصلاح اجتماعی را فراهم آورده است. خداوند ج به پیغمبر اسلام دستور داد ( ترجمه آیه مبارک ۲۱۵-): وبال و پر خود را برای مومنان که از تو پیروی میکنند بگستران. این تعبیر قرآن کریم کنایه زیبایی از تواضع و مدارا همراه با مهر و ملاطفت است. حافظ شیرازی شاعر بزرگ پارسی گوی با اخذ الهام از اندیشه مدارا چنین فرموده است:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است      با دوستان مروت با دشمنان مدارا

## نرم خویی:

نرم خویی لطف و مهربانی صفات نیک و پسندیده است که همه و همه در وجود مبارک رسول اکرم ص متمرکز بود. با همین صفات نیک او توانست جامعه آنوقت را؛ که در تاریکی و جهالت به سر میبرد؛ دگرگون نماید و وحدت و همدلی را در میان مردم که یک امر مهم و ضروری بود؛ بر قرار نماید. از قول امام صادق ع روایت است که در زمان نماز خواندن، که آن حضرت نماز میداد آخر نماز را به بسیار عجله تمام کرد. زمانی که نماز ختم شد نماز گذاران پرسیدند: چرا آخر نماز به عجله شد؟ حضرت پیامبر گفت: آیا شما صدای گریه طفلک را نشنیدید که بسیار به سوز گریه می کرد. منظورش این بود که احوال طفل را باید گرفت با حفظ اینکه او از کیست؟ پیغمبر خدا زمانیکه در نماز می بود؛ و کسی در پهلویش می نشست نماز خود را تخفیف میداد و یا با سرعت تمامش میکرد تا اینکه به نیازمندان رسیدگی کند.

## محبت و مهر ورزی:

تبلیغ، ترویج و کشت مهر و محبت در دل و افکار مردم؛ یکی از اصول دیگری بود که حضرت محمد ص در راه تعمیم آن تا پای جان کوشید و به جای جهالت و سنگدلی تخم مهر و محبت را با رسالتندی که

داشت در افکار و اذهان اجتماع بذر میکرد. پیامبر اسلام علاوه بر اینکه ارزش های اخلاقی را بسیار ارج می نهاد احترام می کرد در جهت عملی نمودن این ارزشهای خود نمونه فضایل اخلاقی و ارزشهای والایی انسانی بود. او در همه ابعاد زندگی با چهره شادان و کلام دل برنده با حوادث بر خورد می کرد: به طور مثال، در تاریخ آمده است: در سال نهم هجرت هنگامی که قبیله سرکش طی در اثر حمله قهرمانان سپاه اسلام شکست خوردند عدی بن حاتم که از سرشناسان و قومندان این قبیله بود به شام گریخت ولی خواهرش به اسم (سفانه) به اسارت سپاه اسلام در آمد. روزی حضرت محمد ص از محبس دیدن کرد و سفانه به او عرض کرد: ای محمد، فی الحال اگر چه من نزد شما اسیرم، ولی باید اذهان بدارم که پدر من یک شخص حلیم، بردبار، و مرد سخی بود. و نیازمندان و مساکین را به موقع مدد می رساند و همچنان در میان مردم از نام و نشان نیکویی برخوردار بود. لذا از نزد شما تقاضا دارم که مرا به قبیله من برگردانید. حضرت محمد ص بر اساس احترامی که به اهل ادب و سخاوتمندان داشت، سفانه بنا بر روایتی که کرده بود از اسارت رها نموده فرمان داد تا موصوفه را به قبیله اش برسانند. در سیرت عملی پیامبر ص به صد ها نمونه از اخلاق نیک و زیبا وجود دارد که هر کدام نشان دهنده قطره های از اقیانوس عظیم حسن خلق آن حضرت است که به تاسف نسبت ضیقیت وقت از حوصله این مجلس بیرون است.

### اخلاق اجتماعی پیغمبر(علیه السلام)

حقا که حضرت محمد ص بر بلندای خلق عظیم قرار داشت و در حقیقت یک پیکره ی اخلاق بود. حضرت علی کرم الله وجهه با در نظر داشت اخلاق حمیده و پسندیده ی بزرگان وقت، بخصوص رسول اکرم ص میفرماید: با مردم چنان رفتار کنید؛ که اگر مرید بر شما بگریند و آنگاه که در کنار آنان به سر میبرید؛ به شما عشق بورزند. همین گونه رفتار آنحضرت بود که عالم بشریت را مجذوب خود ساخت. رسول خدا ج از چهره های محبوب دنیای بشریت بود که چشم روزگار چنین محبوبیتی را در کسی ندیده است. با آنکه پیغمبر اسلام دارای مرتبت شامخ و رسالت عظیمی را داشتند؛ اما زندگی و آداب ایشان در اجتماع بسیار ساده و طبیعی بود. اگر ایشان در میان جمعی می نشستند؛ افرادی که وی را نمی شناختند از دیگران سوال میکردند که کدام یک شما محمد ص هستید؟ دنیا او را مغرور نکرد، گرفتار دنیا و تشریفات دنیایی نشد. او با جمله های کوتاه و پر معنا سخن میگفت و هیچگاه سخن دیگران را قطع نمیکرد، او با جرأت و جسارت حرف میزد، ولی هرگز با زبان تند و صدای بلند سخن نمیگفت، هر گاه به مجلسی وارد میشدند؛ در اولین جای خالی می نشستند و مقید نبودند که در صدر مجلس بنشینند، در مسافرت های جمعی به سهم خود کار میکرد و هیچگاه سرباز دیگران نمی شد. پیغمبر اکرم ص فرمودند: دوست ندارم بین من و دیگران فرقی باشد؛ زیرا خداوند دوست ندارد که بنده اش را جدا از دیگران ببیند، موصوف به عهد و پیمان های خود وفادار بود - صله رحم میکرد، به کسی اجازه نمیداد بر علیه دیگران سخن بگوید. چنانچه خود شان فرموده اند: دوست دارم با قلب سالم حرف بزنم) در رسیدگی به کار های مردم جدی بود؛ برای بر طرف کردن نیاز های مردم از هیچ کار کوتاهی نمیکرد. فضیلت و بزرگی را به ایمان میدانستند و هرگز به ثروت و مقام اهمیت نمیدادند.

حضرت محمد(ص) شخصیت بردبار، شجاع، عادل و پاکدامن بود. در هم و دیناری شب نزدش نمی ماند؛ مگر آنکه آنرا به نیاز مند میرساند؛ از همه با حیا تر بود؛ به چهره ی کسی خیره نمی شد؛ از خوردن غذای حلال خود داری نمیکرد - وقت غذا خوردن تکیه نمیداد - روی سفره نمی نشست؛ بر هر چه حاضر بود؛ مانند اسپ، مرکب، و اشتر سوار میشد و بر پشت مرکب خود برده و غیر برده را سوار میکرد. شیر گوسفندان را خودش می دوشید؛ آب وضو را شب خودش تهیه میکرد؛ با خادمانش در آسیاب کردن کمک میکرد؛ در کار های خانه هم سهم میگرفت و با اهل خانه و خانواده کمک و همکاری میکرد. هدیه را می پذیرفت؛ و لو یک جرعه شیر بود؛ خشمش در راه خدا بود و هرگز برای خویش غضب نمیکرد. طاقت

گرسنگی را زیاد داشت. گاهی بدون عمامه و عبا و بدون کفش راه میرفت، در دور ترین نقطه شهر از بیماران عیادت میکرد. با فقرا می نشست و با آنان غذا میخورد، کسانی که در اخلاق با فضیلت بودند؛ احترام می گذاشت با اشخاص آبرومند الفت میکرد. به کسی جفا نمی کرد پوزش عذر خواهان را می پذیرفت؛ هیچگاه به کسی فحش نه گفته و هرگز زن و یا خادم را لعن نمیکرد. هر گاه در حضور ایشان کسی ملامت میشد؛ می فرمود: به او کاری نداشته باشید، در مقابل بدی دیگران بدی نیمکرد؛ بلکه گناهان شان را در نظر نمی گرفت. هر کسی که به کلبه شان داخل میشد به او احترام میکرد. گاهی لباس خود را زیر آن پهن میکرد، حال شان همیشه در حالت رضا و غضب یکسان بود.

در نتیجه باید گفت: روحیه نیک اخلاقی، گفتار منطقی و با معنا، و عمل صالح لایق و سزاوار هر فرد انسانی است که در راه حق و عدالت روان است. همان طوریکه پرود گار عالم انسان را اشرف مخلوقات خطاب نمود، بناعن بر انسان است که خود را متصف با این صفات بسازد. تا زندگی را با خوشی، دوستی، صمیمیت، محبت و راحت روحی و جسمی سپری نماید که بهترین و بزرگترین منبع آموزش فکری و عملی چنین خصایل نیک البته پیامبران الله به صورت عام و بصورت اخص پیغمبرما حضرت محمد مصطفا ص و حضرت علی مرتضی وصی آن و اولاده ی شریف ایشان میباشد. همان طوریکه قرآن مجید دستور میدهد (لقد کان لکم فی رسول الله اسوه ت حسنه) ترجمه: اخلاق و رفتار رسول خدا برای شما سرمشقی نیکو است.

#### منابع و موخذ،

- سایت رسول - نور محمد ص،
- زینب جعفری-مجله طوبی، شماره 10 ص 16
- سایت حوزه ( پایگاه اطلاع رسانی حوزه)
- سایت فرهنگی آوینی -
- حافظ شیرازی - شاعر فارسی گوی
- پرسمان - دانشجوی، اخلاق -
- معلومات های شخصی،